[312] سر تا به آستانه ایشان نموده ام * هم امن شد نصیب من اینجا وهم امان روز ولادت گل گلزار مصطفی است * از بهر افتخار کنم مدح أو بیان فضلی است بهر من که بگویم زفضل أو * با مدح أو زخویش کمالي کنم عیان صالح نمی شود عملي بی ولایشان * ناجح کسی بود که از این ره شده روان لب تر کنم بمدحت زهرا به آن امید * تا با شفاعتش ببرم حظ جاودان بر أو درود باد که بر أو خدای أو * بنموده افتخار بخیل فرشتگان قدرش برو به سوره کوثر نما نظر * در هل اتی وآیه تطهیر رو بخوان این فخر بس که بوسه زند دست أو پدر * یا در بغل رسول خدا گیردش چو جان یك زن که هست سیده وسرور زنان * مردی بجز علی نبدش مثل وهم عنان أي فاطمه کدام ابیها تو را پدر * خواند وبس است بهرتواین نام واین نشان
